

یادداشت ماه

مدف سفر حضرت عبدالبهاء به اروپا و آمریکا

حضرت عبدالبهاء وقتی به سال ۱۹۱۱ از مصر عازم سویس، فرانسه و انگلستان شدند چنان که از مقدمه جناب محمود زرقانی بر جلد اول *بدایع الآثار* برمی آید؛ هدفشان هم تغییر آب و هوا و هم نشر نفعات الله بود. مدت اقامت هیکل مبارک در اروپا در آن سفر چهار ماه بود و بعد به مصر مراجعت فرمودند. چون احببای امریک از مسافرت مبارک به اروپا آگاه شدند، عده ای با کمال سرعت و مسرت خود را در لندن، قبل از بازگشت، به محضر انور رسانیدند که حضرتش را به امریکا دعوت کنند. حضرت عبدالبهاء در آن موقع این دعوت را نپذیرفتند و به مصر مراجعت کردند و مدت ۵ ماه دیگر در رمله اسکندریه ساکن بودند ولی مجدداً دعوتنامه های عدیده از امریکا به محضر اطهر رسید. بالاخره علی رغم ضعف جسمانی و کبر سن (۶۷ سالگی) سفر امریکا را قبول فرمودند و چون به امریکا رسیدند چنان که در همان مجلد *بدایع الآثار* آمده مقصد سفر را به اصحاب جرائد چنین اعلام فرمودند:

بقیه در صفحه ۱۴

فهرست مندرجات

| | |
|------------------------------------|---|
| حفظ تنوع زیستی / ۳۰ | آثار مقدسه / ۳ |
| خانه ام ابریست / ۳۳ | آیین بهائی: پی آئین فرهنگ ایران باستان / ۵ |
| لوح مبارک بشارات / ۳۵ | دنباله یادداشت ماه / ۱۴ |
| بر قهرمانان ایران چه می گذرد؟ / ۴۶ | زیارت دارالآثار بین المللی در ارض اقدس / ۱۶ |
| از گلخن فانی به گلشن باقی / ۵۳ | الله نور السموات والارض / ۱۹ |
| فهرست تفصیلی سال سی و دوم / ۵۶ | تاریخ دیانت بهائی در طهران، بخش سوم - جامعه بهائی در سال های نخستین / ۲۲ |

شرح روی جلد: زمستان طهران

لوح مبارک بشارات

بیانیه‌ای خطاب به محققان و دولتمردان

از کریستوفر باک و یولی آیوانسیان

Christopher Buck & Youli A. Ioannesyan

(ترجمه این مقاله توسط پیام بهائی ویراستاری و تلخیص شده است)

بهاء الله، که رساله [بشارات] با آن برای او [براون] ارسال شد، واقعاً هیچ تعبیر دیگری را اجازه نمی‌دهد، زیرا خواننده اکنون از نقل قول از متن [نامه] وضعیت مربوط به کم و کیف ارسال رساله را در خواهد یافت.^۲

منطق در اینجا این است که شخصی که لوح بشارات برای او نازل شد، همان است که لوح بشارات برای او فرستاده شد، هر چند که برای مقصدی نهانی (یعنی برای ترجمه و انتشار برای اهل غرب) بوده باشد. به این ترتیب روزن مستقلاً بر باور براون که بشارات برای شخص او نازل شده، صحّه می‌گذارد: «براون این نکته را مطرح می‌کند که رساله بشارات مخصوصاً برای او تدوین شده است. اما، به خود جرأت داده تصور می‌کنم که لوح بشارات ابتدا برای ادوارد

در شماره پیش مطلب درباره متن نامه میرزا بدیع الله که به ضمیمه لوح بشارات برای ادوارد براون ارسال شده بود خاتمه یافت. اینک در این شماره، مقاله با بحث درباره اینکه مخاطب لوح بشارات کیست آغاز می‌گردد.

اگرچه نامه ضمیمه به وضوح خطاب به براون نوشته شده، اما آیا خود بشارات خطاب به کیست؟ با آنکه بنا به تصریح ادیب طاهرزاده مخاطب لوح بشارات معلوم نیست،^۱ آنچه که معلوم است اینکه ادوارد براون یقین کرد که حضرت بهاء الله شخصاً لوح بشارات را برای براون نازل کرده‌اند. براون روزن می‌نویسد: ادوارد براون این فرض را مسلم می‌داند که کل رساله مزبور برای او تدوین شده و او حق دارد چنین فکر کند، زیرا نامه بدیع الله، پسر

براون تدوین نشد بلکه برای مقامات "مذهبی سایر ادیان" در شهر یا منطقه‌ای که بابیان سکونت دارند و بخصوص برای مقامات روسی در عشق‌آباد نازل شد.^۳ این نظریه که بشارت برای "مقامات روسی در عشق‌آباد" بود با اطلاعات جدید ارسالی از دارالتحقیق مرکز جهانی بهائی (به سطور فوق مراجعه شود)، که «نسخه‌ای از لوح بشارت به مقامات دولتی تسلیم گردد»، انطباق دارد.

علیرغم باور براون، روزن این نظریه را که بشارت در اصل برای براون تدوین شده مورد تردید قرار می‌دهد و نظریه دیگری را که مبتنی بر زمینه‌های تاریخی معاصر است مطرح می‌سازد. او در ادامه می‌گوید که خبر قتل فرد بابی [حاجی محمدرضا اصفهانی] به دست شیعیان عشق‌آباد در سال ۱۸۸۹ می‌تواند انگیزه ارسال آن بوده باشد. روزن نتیجه‌گیری می‌کند، «احتمالاً مقصود از رساله "بشارت" بهاء‌الله جواب گفتن به مؤمنان در مقابل سؤالاتی از این قبیل [نحوه رفتار با پیروان سایر ادیان و نفوسی از سایر فرهنگ‌ها و نحوه سلوک نسبت به اولیاء امور و غیره] است که بهاء‌الله بنفسه بیان کرده است».^۴ استدلال متقابل روزن در مقابل نظریه براون-که لوح بشارت برای او نازل و جهت او ارسال شده- در متن زیر مشاهده می‌شود:

ادوارد براون شخصاً برای کلیه رهبران بهائی، از جمله خود بهاء‌الله، به علت هم‌دردی‌اش با بابیان، و نیز برای اطلاعات عمده‌ای که درباره تعالیم بابی داشت، شناخته شده‌تر از آن بود که به "روشن شدن" با چنین بیان چکیده‌ای درباره این تعالیم نیازی

باشد. این با قضیه مقامات مذهبی سایر ادیان که هنوز با آئین بابی آشنایی ندارند، متفاوت است. نمایندگان بابی در عشق‌آباد بلا تردید درباره مکاتبات خود با روس‌ها، درباره مذاکرات خود با آنها و، علاوه بر سایر موارد، درباره سؤالاتی که باید غالباً به آنها ارجاع شده باشد، باید به عکس گزارش داده باشند. بخصوص با قضیه مشهور قتل‌ی که در طی آن فردی بابی به دست شیعیان در سال ۱۸۸۹ کشته شد، احتمالاً دلایل موجهی برای طرح چنین سؤالاتی داشته‌اند. جواب دادن به سؤالات مؤمنین که بهاء‌الله شخصاً مطرح کرده، به احتمال قوی هدف و مقصود رساله بشارت بوده است. به نظر من تنها با در نظر داشتن این مقصود است که می‌توان فقدان کامل چکیده عقاید جزئی [از متن] را توضیح داد. با ملاحظه دقیق چهارده "بشارت" مکشوف خواهد شد که تمام آنها جز جواب‌هایی به سؤالات طبیعی نیست، از قبیل: نگرش شما نسبت به پیروان سایر ادیان چیست؟ آیا وفاداری خود به مقامات محلی را ثابت می‌کنید؟ آیا زیاد گرفتن زبان محلی خودداری می‌کنید؟ آیا دینتان شما را ملزم می‌کند به زیارت اماکن مقدسه بروید؟ و غیره و غیره. حتی فقره عجیب بشارت نهم، اگر به صورت جوابی درباره نگرش پیروان دیانت جدید به مقام کشیشی مسیحی در نظر گرفته شود تا حدی روشن‌تر می‌شود.^۵

در اینجا، روزن درباره کم و کیف تاریخی که ممکن است سبب نزول بشارت شده باشد به گمانه‌زنی مبادرت می‌کند. این مطلب برای روزن غیر قابل تصور بود که، با توجه به اینکه

براون یکی از محققان پیشرو درباره نهضت بابی بود که در دیانت بهائی تکامل یافته بود، حضرت بهاءالله این لوح را مخصوصاً برای او نازل کرده باشند. (در این زمان، محققان بین "بابی" و "بهائی" فرقی قائل نمی‌شدند یا به بررسی وجوه تمایز ایجاد شده نمی‌پرداختند.) آنچه که برای روزن منطقی‌تر جلوه می‌کرد توضیحی تاریخی بود. او دقیقاً می‌دانست که ادیان بابی و بهائی مناقشه‌قابل توجهی را پدید آورده‌اند که، جدا از واقعه قتل که در بالا به آن اشاره شد، به شهادت تعداد معتابیهی از پیروان آنها منجر شده است. با توجه به این قضیه، روزن آشکارا احتجاجی را زمینه‌بلا فصل تاریخی مشاهده می‌کرد که در آن بعضی موضوعات (یا به قول روزن "سؤالات") مطرح شده است. بنا به گفته روزن، این سؤالات که توسط افراد خارج از این ادیان مطرح شده وجود جواب‌های حاضر و آماده را ایجاب می‌کرد و به این ترتیب سبب نزول لوح بشارات گردید.

آیا حق با براون بود یا روزن؟ شاید هر دو محقق بودند. از طریق براون، برخی از جواب‌ها به این سؤالات مبهم را می‌شد در اختیار دنیای انگلیسی‌زبان قرار داد. این واقعیت که نسخه‌ای از بشارات مستقلاً برای براون روزن ارسال شد، همین مقصود را، اما برای مکانی دیگر، نشان می‌دهد. درست مانند قضیه براون، آشکارا این امید وجود داشت که روزن بشارات را ترجمه کرده انتشار دهد. به این ترتیب این لوح به دو زبان عمده، انگلیسی و روسی، در دسترس همگان قرار می‌گرفت. درباره این انگیزه خاص برای نزول لوح بشارات، نامه ضمیمه میرزا

بدیع الله سکوت می‌کند. نامه ضمیمه میرزا بدیع الله اساساً بر آنچه که در "نوشته" بدون نام، یا یادداشت مقدماتی، آمده صحه می‌گذارد. اما نامه ضمیمه صریح‌تر است: «بعد از عرض در ساحت اقدس فرمودند، آنچه تا حال اوامر و احکام جمع شده، یعنی احکامی که سبب ظهور عنایت حق جلّ جلاله است بنویسید و ارسال دارید. و بعد آنچه ثبت و تا حال جمع شده در حضور عرض شد و ارسال گشت».^۶ در اینجا، به نظر می‌رسد که حضرت بهاءالله امر فرموده‌اند که برخی از مهم‌ترین احکام و اصولی که از خصائص برجسته و چشمگیر دیانت بهائی است، جمع شود. سپس اینها جمع‌آوری و در آنچه که لوح بشارات شد، تدوین گردید. اگر این نظریه در مقابل موشکافی و تحلیل متنی بیشتر، ثبات داشته و صحتش اثبات گردد، در این صورت این نظر مبین پیشرفتی در بازسازی شرایط و کم و کیف نزول این لوح مهم حضرت بهاءالله است.

یادداشت بی‌نام مقدماتی و نیز "نامه ضمیمه"، هر دو، حاکی از آن است که بشارات اساساً مجموعه‌ای از اصول و احکام برجسته حضرت بهاءالله است. اما در ادامه "نامه ضمیمه" مذکور آمده است، «و بعد، آنچه ثبت و تا حال جمع شده در حضور عرض شد و ارسال گشت».^۷ این نشان می‌دهد که حضرت بهاءالله کلّ این جریان را امر فرموده‌اند، که شامل سه مرحله می‌شود، یعنی: (۱) «و بعد آنچه ثبت و تا حال جمع شده»؛ (۲) «در حضور عرض شد» و (۳) «و ارسال گشت». توجه

داشته باشید که "نامه ضمیمه" میرزا بدیع الله مورخ ۲۲ ژانویه ۱۸۹۱، یک هفته قبل از "نامه ضمیمه" حاجی محمد، مورخ ۲۹ ژانویه ۱۸۹۱ ارسال گشت. بر مبنای قرائت دقیق و تحلیل "مقدمه‌های" بشارات (یعنی "نوشته" بی نام و نامه ضمیمه میرزا بدیع الله)، نگارندگان این مقاله بازسازی شرایط حاکم بر نزول لوح بشارات را به این صورت حدس می‌زنند:

۱. «و بعد آنچه ثبت و تا حال جمع شده»: در اینجا حضرت بهاء الله کسی (احتمالاً بدیع الله) را مأمور جمع آوری «بعضی از احکام الهی که در الواح متفرق بود» می‌فرمایند. طرح کلی آن به صورت پانزده اصل بشارات درآمد.

۲. «در حضور عرض شد»: سپس کسی (میرزا بدیع الله؟) «[مجموعه احکام الهی منتخب را] عرض در ساحت اقدس [یعنی حضرت بهاء الله] نمود. حضرت بهاء الله تصویب فرمودند و شاید (با احتمالاً) پانزده اصل را در آنچه که اکنون متن فعلی بشارات است، تدوین نمودند.

۳. «و ارسال گشت»: سپس، طبق هدایات حضرت بهاء الله، حاجی محمد، روز ۲۹ ژانویه ۱۸۹۱، بشارات را، همراه با نامه ضمیمه خود و میرزا بدیع الله (که یک هفته قبل، روز ۲۲ ژانویه ۱۸۹۱ نوشته شده بود)، همراه با یادداشت مقدماتی با منشأ نامعلوم روی صفحه اول بشارات گذاشته برای براون به دانشگاه کمبریج ارسال نمود.

کم و کیف نزول: سرخ‌های بیشتر از نامه ضمیمه ارسالی حاجی محمد به براون
همراه نسخه خطی لوح بشارات که براون بنا

به تقاضای براون روزی برای او فرستاد، نسخه‌ای از نامه ضمیمه حاجی محمد، به تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۸۹۱ را نیز ارسال داشت که متن آن چنین است:

هو الله

فدایت شوم بعد از حمد مقدس از عالم حدود رب و دود و مالک غیب و شهود و اعتراف بر تقدیس و تنزیه ذات مقدس، عرض می‌شود رقیمه روحانیه کریمه جناب عالی که تاریخ نداشت واصل و زیارت شد و سبب فرح و سرور و علت بهجت و نشاط گردید. چه که مبشر صحت و سلامتی، که از اعظم نعمات و مواهب الهی است، بود. فی الحقیقه چشم و دل از مشاهده اش روشن گردید. الحمد لله بکل محبت قیام نموده‌اید و به خدمت مشغول و به بدایع فضل الهی فائز. قدر این نعمت جاودانی را نفوس مؤیده دانند. امید یوم به یوم به آنچه شایسته علو همت است موفق گردند، چنانچه هستند و از جواهر ثمره وجود انسانی بهره‌مند شوند. دیگر از وصول عریضه فانی اول و ثانی را مرقوم داشته بودند، مع ظهور مراسم خود را؛ ممنون شدم اگرچه این ذره لایق ذکری نه، ولی از فضل الهی واسطه فیوضات شده و خود هم نصیبی برداشته چنانچه چندی یک دفعه به زیارت دستخط آن جناب فائز باری، اگرچه در عریضه نگاری تأخیر حاصل شد، ولی منتظر عنایتی از مقصد بودم تا این که، بحمد الله، اعظم از آنچه در نظر بود رسید. جزوه‌ای با تعلیقه مبارکه حضرت مولایی، آقای آقا میرزا بدیع الله، روحی فداه. دیگر چه عرض نمایم که چه قدر مبسوط و شاکر شدم که به شوق و

اشتیاق و سرفرازی عریض عرض می‌نمایم. این که اراده توجّه به لندن داشته‌اید، انشاءالله به کمال صحّت مراجعت نموده‌اید. اینکه مرقوم فرموده بودند که بسیار مطالب بوده و مجال نداشته‌اند، انشاءالله از بعد سرفراز فرموده‌اند. چه که از بیانات بدیعه کریمه روحیه آن جناب روح جدید برهیکل دمیده می‌شود، چه که تمامش مدلّ و مُشعر بر محبّت خاصّه و جذب و اشتیاق است. این نبوده مگر از نیت خالص و قلب صافی آن جناب که کلمات مؤثّر واقع شد. دیگر، دوستان این ارض سلام و اشتیاق می‌رسانند و بحمدالله ملالی ندارند. دیگر، چون پوسته عازم است، عریضه مختصر شد. زیاده مصدّع نمی‌شوم. همه روزه متوجّه خطوط عالیّه می‌باشم. سرفراز فرمایید. روحی فداک. اقلّ، الحاج محمد. مورّخ ۲۹ ژانویه ۱۸۹۱ مطابق ۱۸ جمادی ثانی ۱۳۰۸.

همانطور که خواننده به وضوح می‌تواند مشاهده نماید، نامه حاجی محمد از لحاظ اطلاعات مفید مرتبط با لوح *بشارات* مطلب زیادی نمی‌افزاید. آنچه که به نظر می‌آید تنها اشاره به لوح مزبور باشد این عبارت است: «جزوه‌ای با تعلیقه مبارکه حضرت مولایی، آقای آقا میرزا بدیع‌الله، روحی فداه». اگر در اینجا اشاره به لوح *بشارات* باشد، در این صورت عبارت مزبور به همان اندازه که مسأله‌ساز است، بیهوده هم هست، زیرا حاجی محمد ظاهراً تصوّر می‌کند که لوح *بشارات* عملاً کار میرزا بدیع‌الله است! این نابهنجاری انتسابی را می‌توان با نظریه جمع‌آوری و تدوین لوح *بشارات*، که در بالا مطرح شد، توضیح داد. در

آن نظریه این نکته مطرح است که حضرت بهاءالله میرزا بدیع‌الله را هدایت فرموده‌اند که: (۱) بشارات را از تعالیم اصلی کتاب *اقدس* و متون تکمیلی تدوین نماید؛ (۲) مجموعه جمع شده را برای بررسی و تصویب به حضرت بهاءالله تقدیم کند (که اصلاح و ویراستاری توسط حضرت بهاءالله کاملاً محتمل است)؛ و (۳) سپس بشارات را برای براون بفرستد تا او را با برخی از اصول و احکام متمایز امر بهائی آشنا سازد، علی‌الخصوص بدان علت که اینها به اسلام و مسیحیت مرتبط می‌شوند.

اگر این بازسازی کم و کیف نزول لوح بشارات اساساً صحیح باشد، سؤالی که باقی می‌ماند این نیست که بشارات چگونه نازل شد، بلکه چرا نازل شد. نظریه بارون روزن قبلاً مطرح شد (به سطور فوق نگاه کنید). اما، قبل از تعیین فحوای کلام، باید متن را تعیین کرد، یا حدّ اقلّ توضیح داد چرا مغایرت‌های چشمگیر متنی بین نسخه خطّی بشارات براون و روزن وجود دارد.

مغایرت‌های متنی در بشارات: نسخه خطّی بارون و ویکتور روزن

روسی اوّلین زبان اروپایی است که آثار حضرت بهاءالله به آن ترجمه شد.^۸ یکی از دلایل آن این است که، در طیّ قرن نوزدهم، امپراطوری روسیه به رویدادهای جاری و تحولات سیاسی که در ایران روی می‌داد، بخصوص وقایعی که حول ظهور ادیان بابی و بهائی رخ می‌داد، فوق‌العاده علاقمند بود. ایران همیشه مورد توجّه سوق الجیشی برای

علائق جغرافیایی سیاسی روسیه بوده است. این علاقه خاص روسیه به ایران در صدها، اگر نه هزارها، سند و نوشته‌ای که توسط حکومت قبل از انقلاب روسیه جمع‌آوری شده عینیت یافته است. از جمله این مطالب، که بطور مداوم به درون امپراطوری روسیه جریان داشت، اطلاعاتی درباره نوشته‌های اصلی ادیان بابی و بهائی بود. خوشبختانه این اطلاعات بطور مرتب و منظم توسط نمایندگان سیاسی و محققان روسی که در ایران کار می‌کردند تهیه و تأمین می‌شد. از جمله این نمایندگان سیاسی روسیه خاورشناسان تعلیم‌دیده‌ای هم بودند که می‌توانستند به نحوی صحیح اهمیت نسخه‌های گوناگون خطی بابی و بهائی را که جمع کرده بودند تعیین کنند.^۹ در سال ۱۸۷۷، اولین بخش مجموعه‌ای از نسخ خطی از نوشته‌های حضرت بهاءالله، توسط بزرگوارف M. Bezobrazoff به کنسول جنرال روسیه در آذربایجان (ایران) تحویل شد، و سپس به وسیله ام آگامازف M. A. Gamazoff به کتابخانه دپارتمان آموزشی وزارت امور خارجه ارسال گردید.^{۱۰}

عمل جمع‌آوری، حفظ، شناسایی، طبقه‌بندی، مطالعه، ترجمه و انتشار مطالب مربوط به ادیان بابی و بهائی توسط تعدادی از افراد انجام می‌شد که مهم‌ترین و برجسته‌ترین آنها دیپلمات و محقق، آگ تومانسکی، و پژوهشگر برجسته دانشگاهی بارون ویکتور روزن بودند. برخی از دیگر شخصیت‌های صاحب‌نام عبارت بودند از محققانی مانند پروفیسور ژوکوفسکی V. A. Zhukovski و دُرن B. Dorn، و

مأموران سیاسی باکولین F. A. Bakulin، بزورازوف، و گامازوف. فرد اخیر ریاست دانشکده زبان‌های شرقی را در بخش آسیایی وزارت امور خارجه به عهده داشت. محقق برجسته روسی، ایوانف W. A. Ivanow در جمع‌آوری نسخ خطی - و بخصوص تصاویر چاپی - مشارکت عمده‌ای نمود.^{۱۱}

طبقه‌بندی، شناسایی و توصیف این نسخه‌های خطی و نیز تأسیس انجمن جغرافیای روسیه را باید به حساب بارون ویکتور روزن گذاشت. روزن سردبیر گاهنامه *محاسنات* (یادداشت‌های) *بخش شرقی انجمن* (سلطنتی) *باستان‌شناسی روسیه*^{۱۲} بود که با عنوان اختصاری اش ZVORAO^{۱۳} شناخته می‌شود، و ترجمه‌های او و تومانسکی از متون بهائی در آن به چاپ می‌رسید. این نشریه گستره وسیعی از موضوعات از جمله تاریخ، زبان‌شناسی، دین و فرهنگ را تحت پوشش داشت.^{۱۴}

بارون روزن، یکی از اشراف آلمانی تبار روسی، استاد درس عربی، رئیس شاخه شرقی انجمن باستان‌شناسی روسیه، و مترجم چندین اثر بهائی به روسی بود. او مجلدهای از رساله‌های حضرت بهاءالله را به زبان اصلی فارسی و عربی برای نشر آماده ساخت و توصیف بسیاری از نسخ خطی بابی و بهائی را از خود به جای گذاشت که اکنون به مجموعه نسخ خطی شاخه سن پترزبورگ مؤسسه مطالعات شرقی آکادمی علوم روسیه تعلق دارد. روزن برخی از رساله‌های مهم، مانند *سوره الملوک*، را که از قلم حضرت بهاءالله نازل شده، شناسایی نمود.

در سال ۱۸۹۱، بهائیان عشق‌آباد نسخه‌ای

از بشارات را برای بارون روزن فرستادند که متعاقباً توسط روزن ترجمه و منتشر شد و به دنبال آن مقاله‌ای در نشریه مذکور درج گردید که در آن، روزن درباره بشارات نظرات بیشتری ابراز داشت.^{۱۵} نسخه خطی بشارات فرستاده شده برای روزن متعلق به شخص او بود و بنا بر این در مجموعه خاورشناسی قرن نوزدهم سن پترزبورگ حفظ نمی‌شود و شاید دیگر وجود نداشته باشد. عجیب اینکه، در نسخه خطی روزن از بشارات، فقره مربوط به سلطنت مشروطه در بشارت پانزدهم (که در نسخه خطی براون وجود دارد) به نحو بارزی مفقود است،^{۱۶} در حالیکه بقیه بشارات پانزدهم به بشارت چهاردهم پیوسته شده است. به این ترتیب، از لحاظ ساختاری و شماره، نسخه خطی روزن از ۱۴- و نه ۱۵- بشارت تشکیل شده است. هنوز معلوم نیست که آیا حذف فقره مزبور عمداً صورت گرفته یا ناشی از اشتباه کتابت بوده است. این مغایرت عمده متنی را براون به عنوان "حذف مصلحتی" توصیف کرده است.^{۱۷}

طولی نکشید که بارون روزن موضوع بشارات پانزدهم را از همکارش در کمبریج، یعنی ادوارد براون فهمید. این کشف مطالعه جداگانه‌ای را سبب شد بطوری که بارون روزن عملاً دو مقاله درباره بشارات در نشریه درج کرد. اینها در زمره اولین مطالعات آکادمیک است که درباره یک متن بهائی منتشر می‌شد.^{۱۸} اولین مطالعه انتشار خود متن، همراه با ترجمه فارسی لوح به شکلی بود که دریافت کرده بود.^{۱۹} اندکی بعد، روزن موضوع بخش مفقوده را دریافت، و مغایرت‌ها با نسخه دیگر، احتمالاً

نسخه خطی کمبریج، را بررسی کرد. براون، در نامه‌ای به تاریخ ۹ اکتبر ۱۸۹۲ به بارون روزن، اطلاع می‌دهد: «مقابله بشارات را برایتان می‌فرستم. در حاشیه نمونه چاپی که برایم فرستادید آنها را وارد کردم».^{۲۰} براون می‌افزاید که تفاوت عمده بین نسخه خطی بشارات که در اختیار او است، و نسخه خطی روزن این است: «(۱) حذف بشارت پانزدهم درباره مزایای جمهوریت، یا، همانطور که متن نشان می‌دهد، حذف آنچه که ما "حکومت مشروطه" می‌نامیم، در نسخه خطی شما».^{۲۱} براون با توضیح روزن موافق است که بشارت پانزدهم به دلایل مصلحتی حذف شده است: «ابداً شک ندارم که که حدس شما در مورد دلیل این حذف کاملاً صحیح است. در لوح سلطان نیز که در مقاله شخص سیاح نقل شده مواردی حذف شده است، که بدیهی است برای اجتناب از آزردهن خاطر افراد غیربایی صورت گرفته است».^{۲۲}

بارون روزن به همین تفاوت توجه می‌کند، «از دلایل مذکور در مقاله ادوارد براون،^{۲۳} که وی محبت کرده برایم فرستاد... دریافتم که نسخه رساله بشارات از عکس برای ادوارد براون نیز فرستاده شد و اینکه نسخه مزبور حاوی ۱۵ بشارت است نه ۱۴».^{۲۴} برخلاف براون، روزن موضوع را "حذف مصلحتی" بشارت پانزدهم نمی‌داند. نظریه روزن، برخلاف او، این است که بشارت پانزدهم "افزایش" مصلحتی (و نه حذف مصلحتی) به نسخه خطی براون است تا "موجب خرسندی انگلیسی‌ها" شود، زیرا به نظام پارلمانی و سلطنت مشروطه مربوط

می‌شود».^{۲۵}

برای روزن فرستاده شد؟ متأسفانه، روزن اشاره‌ای به آن نمی‌کند. روزن، در اولین مقاله‌ای که دربارهٔ بشارات در نشریه درج کرد، می‌نویسد، «رسالهٔ جدید از عشق‌آباد به ما تسلیم شده است».^{۲۹} در اینجا، روزن افشا می‌کند که کسی - که با عبارت "طرف مکاتبهٔ من" از آن یاد می‌کند- لوح بشارات را در دسامبر ۱۸۹۱ برای او فرستاد.^{۳۰} اما، در هیچیک از این دو مقالهٔ خود کاتب را، که نسخهٔ خطی به دست او نوشته شده، مشخص نمی‌کند.

ضمیمهٔ نسخهٔ خطی روزن، به اصطلاح، "نامهٔ ضمیمه" ای وجود دارد که در معرفی بشارات به روزن به کار رفته است. در مقالهٔ Eshcho o Poslanii، به این نامهٔ ضمیمهٔ بدون نام بطور گذرا و با لا قیدی، بدون هیچ توضیح اضافی، اشاره شده است.^{۳۱}

فقط می‌توان حدس زد که چه کسی ممکن است مخاطب این "نامه" باشد. روزن چند فقره از متون بهائی را از طریق تومانسکی از عشق‌آباد دریافت داشت (که برخی از آنها به زبان اصلی و ترجمه‌های تومانسکی به روسی در ZVORAO درج گردید). در هیچ مورد دیگری روزن در افشای نام فرستندهٔ متن اینقدر آکراه نشان نداده است. "پنهان‌کاری" حاکم بر این قضیه نشان دهندهٔ برخی شرایط و اوضاع خاص است و این نظریه را به ذهن متبادر می‌سازد که فرستندهٔ بشارات نمی‌تواند تومانسکی بوده باشد، بلکه کسی بوده که روزن در ارتباط با هویت او متعهد به عدم افشاء بوده است. بسیار نامحتمل است که چنین شخصی فردی عادی بوده باشد. اما در قضیهٔ مقام حکومتی (روسی)، که برای

براون تفاوت دیگری را نیز بین دو نسخهٔ خطی متوجه می‌شود: «(۲) جابه‌جایی قسمت طولانی نسخهٔ من که در نسخهٔ شما به لوح خاتمه می‌دهد، معدودی مغایرت‌های لفظی نه چندان مهم هم وجود دارد... که همهٔ آنها را در حاشیه یادداشت کرده‌ام».^{۲۶} بنا بر این، مقالهٔ دوم روزن مندرج در نشریه برمسألهٔ بشارات پانزدهم و مغایرت‌های جزئی متنی بین نسخ خطی سن پترزبورگ و کمبریج متمرکز شد.^{۲۷} تفاوت‌های بین نسخ خطی براون و روزن توسط روزن تحت سه مقوله طبقه‌بندی شده است:

۱. خطاهای املائی ناچیز فاقد اهمیت.
 ۲. موارد حذف یا افزایش بعضی واژه‌ها و جابجایی کلمات. این موارد نادرند و هرگز معنی [متن] را تغییر نمی‌دهند.
 ۳. "تحریفاتی" در نسخهٔ براون: (الف) فقرهٔ مربوط به سلطنت مشروطه؛ (ب) یادداشت / نوشتهٔ مقدماتی در صفحهٔ اول خود بشارات (که در بالا بحث شد).^{۲۸}
- مسألهٔ این مغایرت‌های متنی (و این که چرا وجود دارند) تا کنون، نه در مجهودات پژوهشی بطور کامل مورد بررسی قرار گرفته و نه منابع بهائی به خود جرأت داده‌اند توضیحی بدهند یا اعلامیهٔ رسمی معتبری دربارهٔ مغایرت‌های عمدهٔ دو نسخهٔ خطی براون و روزن از بشارات صادر کنند.

انتقال بشارات به براون ویکتور روزن: نقش "مأمور سری"

با مجوز و مسئولیت چه کسی لوح بشارات

مأموریتی سرّی به منطقه اعزام شد، این ”پنهان کاری“ کاملاً موجه است.

بر مبنای این فرضیه، می‌توانیم سعی کنیم شخصی را در میان طرف‌های مکاتبه روزن بیابیم که با این اوصاف منطبق آید. یکی از آنها مسلماً تطبیق خواهد کرد. این فرد ولادیمیر ایوانوویچ ایگناتیف Vladimir Ivanovich Ignatyev، یکی دیگر از دانشجویان پیشین روزن، است که در طهران، عشق‌آباد و بخارا مأموریت دیپلماتیک داشت (و، بنا به اطلاعات تأیید نشده، کنسول روسیه در رشت نیز بوده است). سمت او در بخارا ”مأمور سرّی“ بود. فقراتی از نامه‌های او به روزن، که در آرشیوهای سن پترزبورگ نگهداری می‌شود، ممکن است حاوی کلیدی برای حلّ این موضوع باشد که ”بشارت“ چگونه، و بوسیله چه کسی، برای روزن ارسال شد. ذیلاً یک مورد از چنین فقراتی نقل می‌گردد:

لطفاً پوزش‌های مرا برای چنین تأخیر طولانی در ارسال جواب به نامه‌تان بپذیرید. قبل از عزیمت کورویاتکین Kuropatkin کارهای مبرم زیادی باید انجام می‌دادم و بعد از آن نیز مشغول تدوین گزارش‌های سیاسی بودم که اخیراً به [سن] پترزبورگ فرستادم. دلیل این تأخیر تا حدّی این واقعیت بود که اعتماد به کارکنان بی‌سواد دفترمان برای استنساخ ترجمه محال است، در حالیکه به تنها کارمند واجد شرایط، که قبلاً نسخه‌ای برای کورویاتکین نوشته بود، وظایف بیش از حدّ احاله شده است.

قبل از هر چیز مایلم مراتب قدردانی صمیمانه خود و کورویاتکین را برای ترجمه

خدمت شما تقدیم نمایم. او ترجمه را با خود به [سن] پترزبورگ برد. به ضمیمه نسخه‌های اصلی را، که با مساعدت تومانسکی انجام شده، و نیز نسخه‌هایی از ترجمه را ارسال می‌نمایم. بنا به گفته تومانسکی، بایبان کلیه تصحیحات شما را وارد دانستند و علت اشتباه را عجله [خودشان] در نسخه‌برداری عنوان کردند. بنا به توضیح بایبان، نیمه اول سند دوم تا لغت ”انتهی“، از لسان بهاء‌الله توسط کاتب حاجی‌الله نوشته شده و بقیه آن کلام خود کاتب است.

من ترجمه را به کور[ویاتکین] و در گزارشی کوتاه به ضمیمه آن، عقیده شما درباره اسناد مزبور را [برای او] بیان کردم.^{۳۲}

آلکسی نیکلایوویچ کورویاتکین Aleksey Nikolayevich Kuropatkin سرلشکر، فرماندار کلّ منطقه ماوراء خزر (۸-۱۸۹۰) بود و بعدها وزیر جنگ شد.^{۳۳} فقره‌ای از نامه‌ای دیگر اطلاعاتی به مراتب بیشتر در این رابطه به دست می‌دهد:

در پاسخ نامه مورّخ ۸ آوریل شما، که روز بیستم دریافت نمودم، لازم است فوراً به اطلاع شما برسانم که به علت برخی ملاحظات سیاسی، در هنگام انتشار اسناد بایی به نظر می‌رسد که مصلحت در آن است که نام من ذکر نشود و نیز ابداً اشاره نشود که این اسناد را بایبان در اختیار جنرال کورویاتکین نهاده‌اند. همانطور که کاملاً واقفید، این وزارت‌خانه با مجهودات اولیاء حکومت در منطقه ماوراء خزر در حمایت استثنایی از بایبان نظر موافق ندارد. ذکر نام من، با توجه به مقام رسمی من در اینجا، به تسلیم رساله‌های بهاء‌الله توسط بایبان

به من، ماهیتی تا حدی رسمی خواهد بخشید، که مطلوب نیست. لهذا، احسن و اولی آنکه صرفاً اشاره نمایید که رساله‌ها خطاب به بابیان ساکن عشق‌آباد بوده که شما از آنها دریافت کرده‌اید.^{۳۴}

اگر، در بند فوق، این فرض را مسلم بدانیم که در میان اسناد مورد بحث، اشارتی تلویحی به "بشارات" وجود دارد، در این صورت توانسته‌ایم حلقه مفقوده برای تکمیل این تصویر را بیابیم که لوح "بشارات" چگونه از عشق‌آباد برای روزن ارسال شده است. تاریخ نامه‌ها نیز مؤید فرضیه زیر است: در سال ۱۸۹۱، اندکی قبل از ماه دسامبر، بهائیان عشق‌آباد نسخه‌ای از لوح بشارات را به جنرال کورویاتکین، والی منطقه ماوراء خزر، که مرکز عشق‌آباد بود، تسلیم نمودند.

جنرال کورویاتکین لوح را در اختیار ایگناتیف Ignatyev، دیپلمات و "مأمور سری" حکومت در منطقه، گذاشت. آنها به کسی نیاز داشتند که به اندازه کافی در ترجمه متن مزبور به روسی مهارت داشته باشد. بعد از مشورت با تومانسکی و کسب نظر او، تصمیم گرفتند که نسخه را برای روزن بفرستند که به روسی ترجمه کند.

در نامه‌ای به تاریخ چند ماه بعد از وصول نسخه خطی بشارات به دست روزن، ایگناتیف- برای انجام شدن ترجمه بشارات، و برای اظهار نظر و تصحیح اشتباهات مستنسخ- از طرف کورویاتکین و خودش- از روزن تشکر کرد. ایگناتیف همچنین به روزن علیه ذکر نام او یا کورویاتکین در حین انتشار متن مزبور هشدار

داد. ما قطعاً نمی‌توانیم وقوف پیدا کنیم که چه کسی متعاقباً اقدام به نشر آن در نشریه ZVORAO نمود، اعم از آن که کورویاتکین یا ایگناتیف بوده باشند که از طرف اولیاء حکومت روسیه بوده‌اند (باید این نکته را نیز مد نظر داشت که ایگناتیف، آنطور که از نامه‌هایش به روزن استنباط می‌شود، در میان طرف‌های مکاتبه روزن، نسبت به امر بهائی کمترین نظر موافق را داشت)، یا خود روزن، که کاملاً به ابتکار خود دست به این کار زده باشد.

با این همه، از نامه‌ای که در بالا نقل شد، بدیهی است که کورویاتکین و ایگناتیف، هر دو، قطعاً از ترجمه بشارات و متعاقباً انتشار آن آگاهی داشتند و ابداً با آن مخالف نبودند. بنا بر این، این فرضیه می‌تواند منطقی باشد که یکی از اهداف غایی بهائیان در ارسال لوح بشارات به اولیاء حکومت روسیه (غیر از اعلام و ابلاغ امر بهائی به محافل حکومتی) انتشار بشارات توسط و از طریق محققین روسی بود. مکاتباتی که در بالا نقل شد نیز نشان می‌دهد که بارون روزن- و پژوهشگرانی مانند او- در شکل‌گیری طرز تلقی حکومت روسیه نسبت به امر بهائی چه نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

روزن لوح بشارات را چکیده تعالیم توصیف می‌کند، که مقصود کلی آن چنان بود که بابیان بتوانند در کمال آرامش، طبق شرایط مورد توافق بابیان و غیر بابیان، زندگی نمایند. او می‌نویسد:

«[این لوح] خیلی جالب است بخصوص از آن جهت که حاوی احکام بسیار دقیق است که بابیان چگونه باید در کشوری زندگی کنند که

Obshestva, 7) 1983, (183-92; Ioannesyan', St.

Petersburg ... Collection ' 95.

16. Rosen, 'poslaniye' 187

17. See Browne's letter to Baron Rosen, dated 9 October 1892, *Archive of the Russian Academy of Sciences* St Petersburg, (fund: 777; inventory:2; unit: 44.

18. Rosen, 'Poslaniye.'

19. Rosen, 'Poslaniye.'

20. Rosen, 'Eshcho' 311.

21. Rosen, 'Eshcho' 311.

Error! Hyperlink reference not valid.22. Rosen, 'Eshcho' 311.

23. JRAS 1892, vol. XXIV (New Series), 433-90 and 637-710

24. Rosen, 'Eshcho' 311.

25. Rosen, 'Eshcho' 311.

26. Rosen, 'Eshcho' 311.

27. Rosen, 'Eshcho' 312-13.

28. Rosen, 'Eshcho' 312-13.

29. Rosen, 'Poslaniye' (translated by Youli Ioannesyan.)

30. Rosen, 'Eshcho' 316.

31. Rosen, 'Eshcho' 316.

۳۲- تاریخ نامه ۲۵ مارس ۱۸۹۲ و ارسالی از عشق آباد مندرج در *Archive of the Russian Academy of Sciences* (St. Petersburg), fund: 777; inventory:2, unit: 186, p. 18 (a-b). (ترجمه یولی آیوانسیان)

۳۳- نگاه کنید به قرن بدیع، ص ۶۱۳ (آکاد پاسزبای، ص ۳۰۰)

۳۴- نامه به تاریخ ۲۳ آوریل ۱۸۹۲ و ارسالی از عشق آباد است (ترجمه شده توسط یولی آیوانسیان) نگاه کنید به یادداشت ۳۲.

35. Rosen, 'Poslaniye' 183 (translated by Youli Ioannesyan)

36. Rosen, 'Poslaniye' 183 (translated by Youli Ioannesyan)

”پیرو دیانتی دیگر“ است اما اساساً با آئین بابی خصوصیتی ندارد». ۳۵ روزن در ادامه می گوید که پیام حضرت بهاءالله بطور کلی مشحون از صلح و آرامش، محبت، متانت و عکس العمل فاقد خشونت به شرارت است». ۳۶ ■

دنباله در شماره آینده

یادداشت‌ها

1. Adib Taherzadeh, *The Revelation of Baha'u'llah, Volum 4: mazra'ih and Bahji*, 1877-92) Oxford: George Ronald, 1987) 161

2. Rosen, 'Eshcho' 315

3. Rosen, 'Eshcho' 316

Error! Hyperlink reference not valid. Rosen, 'Eshcho' 316

5. Rosen, 'Eshcho' 316

6. Rosen, 'Eshcho' 315

7. Rosen, 'Eshcho' 315

8. Youli A. Ioannesyan, 'The St. Petersburg 19th Century Orientalist Collection of materials on the Babi and Baha'i Faiths: Primary and other Sources' *Lights of Irfan: Papers Presented at the Irfan Colloquia and Seminars*, 7 (2006) 75-100, see p. 76

9. Ioannesyan, 'St. Petersburg ... Collection' 76.

10. Ioannesyan, 'St. Petersburg ... Collection' 76.

11. Ioannesyan, 'St. Petersburg ... Collection' 75.

12. *Memoirs (Notes) of the Oriental Department of the Russian (Royal (Archaeological Society*

13. *Zapiski Vostochnogo Otdeleniya Russkago" Arkheologicheskogo Obshestva*

14. Ioannesyan, 'St. Petersburg ... Collection' 76.

15. Baron Viktor Rosen, 'Poslaniye: "Blagiye Vesti"' (Translation of the Lawh-I Bisharat' with the original text and footnotes, (*Zapiski Vostochnogo Otdeleniya Russkago" Arkheologicheskogo*